



پاساوش جمادی

### ماو دوراهی های اخلاقی

فیلم کوتاهی از برتراند راسل، فیلسوف و ریاضی دان معروف انگلیسی وجود دارد که در آن، گزارشگر به او می گوید «همسر کنی این ویدیو، مانند طومار دریای مردگان قرار است به توگان ما در هزار سال آینده برسد، گمان می کنی ارزشمندترین بومی که می توانی بدی؟» مورد زندگی خودشان و این چیست؟ آموخته‌اید، نوادگانانتان بدهید، چینی؟»

راسل در پاسخ می گوید: «من می خواهم به دو نکته اشاره کنم. یکی پیام فکری و دیگری پیام اخلاقی است. پیام فکری این است که خودتان بپرسید این است که واقعیت‌هایی که در این فلسفه و در پس آنها هستند، چیست؟ و به خودتان اجازه ندهید آن چیزی که دوست دارید حقیقت داشته باشد، و حتی حقیقت داشتن آن برای بشر مفید است، فکر شما را منحرف کند.» یعنی به واقعیت‌ها، به مثابه آن چیزی که هستند نگاه کنید، نه ضمن آن چیزی که دوست دارید باشند. نکته اخلاقی ارد راسل هم این است که «هر جهانی که ما هر روز به هم نزدیک تر می شویم، تنها موضوع مهم این است که عشق، ورزش، خرمندانه است، و تنفر برگیردی، ابلهانه است.» او می گوید در دوراهی که ما هر روز بیشتر از دیروز به یکدیگر نزدیک می شویم، باید قدرت تحمل بیشتری هم داشته باشیم. سخن راسل، سخن بسیار فنیق و مولی است. من نمی توانم با چنین سخنی مخالفت کنم.

ما دایما در معرض انتخاب های میان خیر و شر هستیم. فکر کنید شما آگاهی می دهید که ما به ۱۰ نفر سنجاق گر احتیاج داریم، با حقوق مگفی، اینجا انتخاب اخلاقی ما و زمانی پیش پای یک جامعه و مردم قرار دارد. گرچه چنین چیزی، یک فرض است و در واقعیت این فرض، با این صورت واضح و شفاف، دیده نمی شود، اما انسان ها دایما با انتخاب هایی مواجه هستند که یک طرف آن خیر و طرف دیگر آن خیر است. در میان افراد، عده ای با هم می روند بی درنگ، تبت نام می کنند. عده ای مردد هستند، عده ای در همان آغاز، روبروی می گردند. حال آنکه

خبر و شر چه هستند، به دیدگاه آنها بستگی دارد. خودشان به آن واقف هستند. من نمی خواهم تعریف مطلق ارائه بدهم. اما به طور مثال، خود فرد آگاه است که رشوه گرفتن، و اختلاس کردن، عمل نادرستی است. آزار و اذیت دیگران، به استند جواب دادن به اینها چیزهایی است که یک بچه می تواند آنها را درک کند. اما در عمل، همین انسان‌ها، عده ای بدی و شر را انتخاب نمی کنند، و عده ای آن را انتخاب می کنند. باید دید چه چیزی باعث می شود که کسانی میان خوبی و بدی، یکی را برمیگزینند. باید دید چه می شود که یک نفر برای پایبندی به آنچه که درست می پندارد، به هر قیمتی پای آن می ایستد. انسان‌های والایی که به قیمت جفانشان، اعتصاب غذا می کنند، متحمل حس و شکنجه می شوند، اما به آنچه که درست می پندارند، خیرات نمی کنند. من مقبل آسانی که «پایبند» است، کوشش می کنم. انسان «پایبند»، در مقابل اشتباهاتش شرمسار است. اما با شرمساری خود را قبول نمی کند. مملت آلمان بعد از جنگ، اعلام تقصیر عمومی کرد، مقاله ها نوشتند، کتاب‌ها نوشتند و هنوز این بار سنگین گناه بر نسل گذشته احساس می شود که چطور شد در قلب جهان متمدن، در کشوری که مهد فلسفه، هنر و اخلاق بود، در کشور کلت، ناگهان مردمی به حزب ناسیونال سوسیالیسم رای دادند و تئوئست خوش را از طریق انتخابات بالا بکشند. آدولف هیتلر، بعد از کودتای سال ۱۹۳۳، کودتای معروف «پنج‌فروردینی مونیخ» به نرسخت رفت و در آنجا کتاب «مرد من» را نوشت. تمام آن متفکران، نویسندگان، و روشنفکرانی که گناه به هیتلر رای دادند، بلکه از آسانبندی تبت و واقعیت این فرض، با این صورت واضح و شفاف، دیده نمی شود، اما انسان ها دایما با انتخاب هایی مواجه هستند که یک طرف آن خیر و طرف دیگر آن خیر است. در میان افراد، عده ای با هم می روند بی درنگ، تبت نام می کنند. عده ای مردد هستند، عده ای در همان آغاز، روبروی می گردند. حال آنکه



عکس تهیه شده توسط گروه طرح نو

### ابعاد اعتماد اجتماعی در گفت و گو با غلامحسین معتمدی

# اعتماد به منزله قلب نظم اجتماعی است

### جامعه کلنگی از نتایج بی‌اعتنایی به اعتمادسازی است

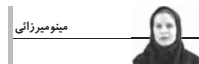
مرگ‌پرستی و خردسنجی تفوق داشته باشد، طما کفهرت‌آزوبه سمت احساسات و رفتارهای منفی تمایل پیدای می‌کند. بدین معنی اعتمادی حاکم می‌شود. **ایفاقتن اعتماداجتماعی را به‌بطنی باسبک‌زندگی**

**دارد**

سبک‌زندگی مجموعه‌ای از تکرش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها و سلیقه‌هاست که با مفاهیم عمده هویت و ارزش، ارتباط دارد و برحسب گروه‌های اجتماعی توک می‌یابد. می‌توانیم به قول هابرماس، باز تولید هر یک از سبک‌ها، سازمانی از سبک‌ها، فرهنگ، جامعه و شخصیت در این نوع سبک زندگی تأثیر دارد. مفهوم هویت دارای سه بعد فردی، اجتماعی و فرهنگی است. هویت فردی با شخصیت، تأثیرات تجربیاتی و یادگیری، هویت اجتماعی با فرهنگ، مربوط است. اعتماد در نخستین شکل تجلی خود در رابطه میان ماهر برون‌تولیداشکل می‌گیرد. در محیط خانواده رشد می‌کند و مبنای اساسی هر گونه رابطه شخصی را می‌سازد. از سوی دیگر سبک زندگی، عاملی تعیین‌کننده در هویت اجتماعی است و احساس نفی فرد به گروه‌های اجتماعی و اشکال می‌دهد که تصور آن بدون وجود اعتماد، امکان‌پذیر نیست. اما مهم‌ترین مفهومی که در رابطه با هویت و سبک زندگی قرار می‌گیرد، مفهوم ارزش است که ما واقعاً برای آن ارزش می‌گذاریم. هر فرهنگ محسوب می‌شود. در حقیقت سبک زندگی مربوط به این ارزش‌هاست. در این ساختار، بدین است که اهمیت‌ارزشی اخلاقی اعتماد، گام مهم‌ترین ارکان اجتماع و فرهنگ است. بسیار برجسته خواهد بود. به‌عنوان مثال، برای ما و راج یک سبک زندگی مبتنی بر مصرف، روبرو هستیم. برخی معتقدند که در جوامع مصرفی خودمصرف‌تبدیل به یک جهان‌شکل شده است. افراد، با مصرف خود را نشان می‌دهند. جامعه نمایشی، ارزش‌های سطحی سبک زندگی، نمایشی و مصرفی را، این‌ها می‌زند. البته در شبکه روابط سطحی، برخاسته از این جامعه و سبک‌های زندگی سطحی ناشی از آن اعتماد، به‌عنوان یک ارزش عمیق و بنیادی از جایگاه اصلی خود دور می‌شود.

میزان اعتماد افراد به یکدیگر در جوامع احساسی و عقلانی چگونه است؟ اعتماد دارای دو مؤلفه عمده است: یکی مؤلفه تکرش‌اشکالی که جنبه کلی دارد و دیگری مؤلفه شناختی و وضعیتی که جنبه اختصاصی داشته و معلوف به موقعیت است. بعد احساسی با ساختار احساسی فرد و وجدان آن سرو کار دارد که براساس تجربیات رابطه قلبی افراد سرشت و عوامل توارثی آنان شکل می‌گیرد. بدون تردید، اعتماد در هر حالی با احساسات مثبت متفته خوش‌بینی، شادی، اعتماد به نفس، نوع‌نوستی، احساس تعلق، ایمنی و آرامش دیده می‌شود. کنه‌های بی‌اعتمادی با روح حس‌های منفی مانند خشم، غرور، حسادت، نفرت، دردی، حرمان و تنگی‌مفید، اعتماد را تضعیف می‌کند. اعتماد در هر حال با احساسات مثبت متفته خوش‌بینی، شادی، اعتماد به نفس، نوع‌نوستی، احساس تعلق، ایمنی و آرامش دیده می‌شود. کنه‌های بی‌اعتمادی با روح حس‌های منفی مانند خشم، غرور، حسادت، نفرت، دردی، حرمان و تنگی‌مفید، اعتماد را تضعیف می‌کند. اعتماد در هر حال با احساسات مثبت متفته خوش‌بینی، شادی، اعتماد به نفس، نوع‌نوستی، احساس تعلق، ایمنی و آرامش دیده می‌شود. کنه‌های بی‌اعتمادی با روح حس‌های منفی مانند خشم، غرور، حسادت، نفرت، دردی، حرمان و تنگی‌مفید، اعتماد را تضعیف می‌کند.

اعتماد دارای دو مؤلفه عمده است: یکی مؤلفه تکرش‌اشکالی که جنبه کلی دارد و دیگری مؤلفه شناختی و وضعیتی که جنبه اختصاصی داشته و معلوف به موقعیت است. بعد احساسی با ساختار احساسی فرد و وجدان آن سرو کار دارد که براساس تجربیات رابطه قلبی افراد سرشت و عوامل توارثی آنان شکل می‌گیرد. بدون تردید، اعتماد در هر حالی با احساسات مثبت متفته خوش‌بینی، شادی، اعتماد به نفس، نوع‌نوستی، احساس تعلق، ایمنی و آرامش دیده می‌شود. کنه‌های بی‌اعتمادی با روح حس‌های منفی مانند خشم، غرور، حسادت، نفرت، دردی، حرمان و تنگی‌مفید، اعتماد را تضعیف می‌کند. اعتماد در هر حال با احساسات مثبت متفته خوش‌بینی، شادی، اعتماد به نفس، نوع‌نوستی، احساس تعلق، ایمنی و آرامش دیده می‌شود. کنه‌های بی‌اعتمادی با روح حس‌های منفی مانند خشم، غرور، حسادت، نفرت، دردی، حرمان و تنگی‌مفید، اعتماد را تضعیف می‌کند.



مینومزانی

**پژوهش‌های علمی اخیر نشان می‌دهد که اعتماد در جامعه ما رویه زوال نهاده است و این خطر وجود دارد که عملکردهای کلنگی و اجتماعی به واسطه این مسأله مختل شود. به همین مناسبت با غلامحسین معتمدی، روزنامه‌نویس، گفت‌وگو کردیم تا با ابعاد اعتماد اجتماعی را نگاه‌ایان شما بشناسیم.**

**مفهوم اعتماد اجتماعی چیست؟**

اعتماد را می‌توانیم به عنوان اعتماد بدون اعتماد شکل نمی‌گیرد. اعتماد اصلی عاملی برای زندگی میان انسان‌هاست و همان‌طور که در رابطه بین ماهر و سوزداد و اعتماد خانواده، مهم‌ترین نقش را بازی می‌کند، در میان آدم‌ها و جامعه روابط متقابل میان آنها نیز اهمیت دارد. اعتماد از لحاظ تکاملی به سازگاری و انطباق بشر کمک کرده و امکان رشد و توسعه جوامع کنونی بدون آن میسر نیست. اعتماد در زندگی اجتماعی به معنی عشق عمده است. اعتماد به معنی «تو اعتمادی به من» است. اعتماد به معنی «تو اعتمادی به من» است. اعتماد به معنی «تو اعتمادی به من» است. اعتماد به معنی «تو اعتمادی به من» است.

### شارت

### روز طبیعت در تهران زندگی جریان دارد



عکس تهیه شده توسط گروه طرح نو

اعتماد از لحاظ تکاملی به سازگاری و انطباق بشر کمک کرده و امکان رشد و گذار اجتماعی را فراهم ساخته است. در واقع رشد و توسعه جوامع کنونی بدون آن میسر نیست.

**نگاهی به سفرنامه جهانگردان و گزارش‌های سفری خارجی به ویژه هر چه به زمان ما نزدیک تر می‌شوند، از رواج رفتارهای دروغ مدارانه در میان ایرانیان خبر می‌دهد. اعتماد به دیگری متضمن باور به صداقت، شایستگی و نیکی اوست و معنوش شدن هر یک از این عوامل، اعتماد را متزلزل می‌کند.**

بی‌اعتمادی یا انبواح حس‌های منفی مانند خشم، نفرت، حسادت، نفرت، دردی، حرمان و تنگی‌مفید، اعتماد را تضعیف می‌کند. اعتماد در هر حال با احساسات مثبت متفته خوش‌بینی، شادی، اعتماد به نفس، نوع‌نوستی، احساس تعلق، ایمنی و آرامش دیده می‌شود. کنه‌های بی‌اعتمادی با روح حس‌های منفی مانند خشم، غرور، حسادت، نفرت، دردی، حرمان و تنگی‌مفید، اعتماد را تضعیف می‌کند.